

تحلیل مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران

محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی*

چکیده

نقش مالیاتها در کاهش نابرابریهای اقتصادی از مباحث بحث‌انگیز بویژه در دهه‌های اخیر بوده است. آثار تخریبی مالیاتهای تصاعدی بر کارایی و تمکین مالیاتی موجب اصلاحات مالیاتی در سطح جهانی شده است. به نظر می‌رسد اجرای نظام مالیات بر درآمد در اسلام می‌تواند با توجه به ویژگیها و پشتوانه اعتقادی آن در کشور، کاستیهای آثار توزیعی نظام مالیات بر درآمد فعلی را تا اندازه‌ای مرتفع سازد. مطالعه انجام شده در این مقاله برای بررسی آثار توزیعی دو نظام مزبور با روش رایج اصابت مالیاتی، صحت فرضیه فوق را رد نمی‌کند. **ضمن اینکه برآوردها، بار مالیاتی را در خمس - به عنوان عمده‌ترین مالیات بر درآمد در اسلام - برای تمام خانوارها نسبت به نظام فعلی مالیات بر درآمد، کمتر نشان می‌دهند. به طور کلی نظام خمس با کمترین اختلال در کارایی اقتصادی موجب تقویت عدالت عمودی خواهد شد.

* دکترای اقتصاد از دانشگاه تهران

** مؤلف از مشاوره و راهنماییهای اساتید محترم، آقایان دکتر تمدن، دکتر کمبجانی و دکتر نادران قدردانی می‌نماید، لیکن کاستی‌های احتمالی مقاله بر عهده مؤلف است.

کلید واژه‌ها

آثار توزیعی، خمس، مالیات بر درآمد، اصابت مالیاتی توزیع پارتو، شاخص تصاعد.

مقدمه

گسترش عدالت و کاهش نابرابریها، در بین تمام جوامع و بویژه اندیشمندان دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. نقش مالیاتها در توزیع مجدد درآمد با طراحی مالیاتهای تصاعدی و نرخهای متعدد در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به اوج خود رسید. لیکن انحراف‌زایی شدید و پیچیدگی نظامهای مالیاتی مزبور موجب روند رو به رشد اصلاحات در ساختارهای مالیاتی جهان شد. کاهش تعداد نرخها، هموار کردن ساختار نرخها (کاهش تعداد طبقات و نرخهای نهایی)، گسترش پایه‌های مالیاتی و پیگیری اهداف ساده سازی، خنثایی در تخصیص و برابری افقی به جای برابری عمودی، درسهای مهمی از اصلاحات مالیاتی هستند.^۲ نظامهای مالیاتی تصاعدی قانونی بندرت منتج به نظامهای تصاعدی مؤثر (واقعی) شده‌اند، و اغلب به خاطر تفاوت در برخورداری از امکان فرار در بین گروههای پرداخت کننده مالیاتی منجر به نابرابریهای افقی اساسی شده‌اند.^۳

نظام مالیاتی ایران نیز علی‌رغم دارا بودن نظام تصاعدی قانونی، موفقیت چندانی در توزیع مجدد درآمد نداشته است.^۴ به نظر می‌رسد نظام مالیات بر درآمد در اسلام^۵ بویژه خمس ارباب مکاسب به علت دارا بودن ویژگیهای خاص ضمن حفظ سادگی، خنثایی در تخصیص و برابری افقی تا حدودی نیز به برابری عمودی کمک

1- Flatten

۲- برای اطلاع بیشتر به گیلک حکیم آبادی، درسهای از روند اصلاحات مالیاتی در جهان، مراجعه شود.

3- Thirsk (1991), pp. 66-68.

۴- ر.ک: سهیلا پروین (۱۳۷۲). فصل چهارم، ابو نوری (۱۳۷۶)، ص ۳۱-۱ و گیلک حکیم آبادی (۱۳۷۹)، فصل دوم.

۵- نظام مالیات بر درآمد در اسلام شامل زکات محصولات کشاورزی (گندم، جو، کشمش و خرما) و خمس (بویژه خمس معادن و خمس فرائد کسب) می‌باشد. ر.ک: گیلک حکیم آبادی (۱۳۷۹)، فصل اول.

می‌کند.^۱ بررسی آثار توزیعی خمس ارباح مکاسب به عنوان مهمترین بخش مالیاتهای اسلامی در مقایسه با آثار توزیعی مالیات بر درآمد بخش خصوصی، موضوع این تحقیق می‌باشد. مقایسه با فرض جایگزینی خمس به جای مالیاتهای بر درآمد متناظر در ایران و تأثیر جایگزینی بر توزیع درآمد صورت می‌گیرد. در قسمت اول خمس ارباح مکاسب و در قسمت دوم روش رایج تحلیل اصابت مالیاتی معرفی می‌شود. در قسمت سوم آثار توزیعی خمس و مالیات برآورد و در قسمت آخر ضمن تحلیل آثار توزیعی خمس و مالیات بر درآمد مقایسه و نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد.

۱- تعریف خمس ارباح مکاسب

۱-۱- تعریف خمس و هولرد آن

خمس یکی از واجبات مالی در اسلام و بخصوص در نزد شیعه می‌باشد.^۲ و خوب خمس فی‌الجمله از ضروریات اسلام است و قرآن و روایات و اجماع فقها بر آن دلالت دارند.^۳ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

«و اعلموا انما غنمتم من شی فان لله خمسہ و للرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل ان کنتم آمنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شی قدیر. (سوره انفال، آیه ۴۱)».

یعنی: «ای مومنان بدانید که از هر چه به شما غنیمت و فایده رسد خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان است اگر خدا آنچه بر بنده خود «محمد (ص)» در روز فرقان روزی که دو سپاه «اسلام و کفر» روبه‌رو شدند نازل فرمود ایمان آورده‌اید و بدانید که خدا بر هر چیز توانا است».

خداوند در این آیه با آوردن کلمه «انّ» بر اهتمام و عنایت خاص به این حکم

۱- شکل اسلامی عدالت اقتصادی به صورت تأمین فقرا و توازن درآمد و ثروت است که توازن افراد جامعه از

حیث سطح زندگی و نه جهت درآمد می‌باشد. ر.ک: محمد باقر الصدر (۱۴۱۷)، ص ۲۸۹ - ۶۶۲ - ۶۶۹.

۲- صاحب جواهر، خمس را حق مالی می‌داند که خداوند تبارک و تعالی که مالک بالاصاله می‌باشد در مال مخصوص برای خود و بنی‌هاشم بر بندگانش واجب نموده است که آنها رؤسا و حکمرانان و اهل فضل و احسان به مردم می‌باشند و خداوند خمس را به خاطر اکرام آنها و به واسطه منع زکات واجب نموده است. الشیخ محمد حسن النجفی (۱۹۸۱ م). ج ۱۶، ص ۲.

۳- حسین علی المنتظری (بی‌تا) و آیه‌ا... ابوالقاسم الخوئی (۱۳۶۴)، کتاب الخمس. ص ۹.

توجه داده، و موضوع حکم خمس را غنیمت به دست آمده از هر چیزی (شئی) معرفی نموده است.

هرچند مورد آیه غنایم جنگی می‌باشد و فقهای اهل سنت نیز تنها غنایم جنگی را مشمول خمس مذکور در آیه می‌دانند ولی فقهای شیعه مورد را مخصص نمی‌دانند، زیرا اگر چنین انحصاری پذیرفته شود باید مورد حکم را خمس غنایم جنگ بدر دانست که مورد آیه می‌باشد.^۱ اکثر فقها در تفسیر آیه شریفه به معنای لغوی و عرفی غنیمت نظر دارند. به‌رحال فقهای شیعه با توجه به معنای غنیمت در آیه و به استناد روایات و اجماع فقها موارد خمس را تا هفت مورد برشمرده‌اند:

۱- غنایم جنگی، ۲- معدن، ۳- گنج، ۴- غوص، ۵- درآمد کسب (ارباح مکاسب)، ۶- زمینی که ذمی از مسلمان بخرد، ۷- مال حلال مختلط به حرام.^۲

معادن و ارباح مکاسب از میان موارد فوق با توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی کشور عمده درآمدهای مشمول خمس را تشکیل می‌دهند. در این تحقیق درآمد معادن نیز با تقریبی مانند خمس ارباح مکاسب تخمین زده می‌شود.^۳ بنابراین گستره این مطالعه به درآمد کسب محدود می‌شود.

۲-۱- ویژگیهای خمس درآمد کسب

خمس با توجه به تعریف و احکام فقهی، دارای ویژگیهایی می‌باشد که اهم آنها به‌شرح زیر است:

الف) خمس یک عبادت مالی است. یکی از ویژگیهای خمس مانند زکات تقریباً در نزد تمام علما عبادی بودن آن می‌باشد. آنها نیت و قصد قربت را در آن شرط دانسته‌اند، بدین معنا که مؤدی بایستی هنگام پرداخت، نیت کند که این وظیفه را به‌خاطر خداوند انجام می‌دهد. در حقیقت خمس از دو وجه مالی و عبادی تشکیل شده است.

همین ویژگی است که رفتارهای مالی فرد مسلمان را با مبانی اعتقادی و اخلاقی او مربوط می‌سازد و تکالیف الهی را بستر حرکت انسان به سمت هدف خلقت قرار

۱- المنتظری، همان، ص ۱۱.

۲- کتب فقهی، کتاب الخمس.

۳- مطابق احکام خمس، درآمد خالص معادن بدون کسر هزینه‌های خانوار فقط مشمول خمس معادن می‌باشد.

می‌دهد؛ بنابراین هر چه جامعه از اعتقادات قویتر و سالمتری برخوردار باشد زمینه فرهنگی دادن خمس در جامعه بیشتر فراهم شده و پیامدهای آن در اجرا و ایفای نقشهای یک مالیات مطلوب نمودار می‌شود.

ب) درآمد مشمول خمس (مبنای خمس)؛ درآمد مشمول خمس باید به شکل خالص اندازه‌گیری شود.^۱ بنابراین هزینه‌های تحصیل، استهلاک واقعی و جبران خسارتها (تلف) و زیانهای بر سرمایه، مطابق شرایطی قابل کسر می‌باشند.^۲ همچنین در وجوب خمس بر درآمد کسب فرقی ما بین درآمدهای اکتسابی و غیره (ناشی از سرمایه) وجود ندارد؛ بنابراین هرگونه درآمد را که بخش خصوصی به صورت شرکت و غیر شرکت تحصیل می‌کند، مشمول خمس خواهد بود.

خمس به عین مال تعلق می‌گیرد. بنابراین در غیر موارد دریافتهای پولی (دستمزد و سود...) خمس بر درآمد واقعی تعلق می‌گیرد. مطابق احکام فقهی درآمد فعلیت نیافته (نقد نشده) نیز مشمول خمس می‌باشند.^۳ لازم به ذکر است که درآمدهای احتسابی مشمول خمس نمی‌باشد و فرقی بین درآمدهای جنسی و نقدی نیز نمی‌باشد.

ج) معافیتها؛ همان‌طور که اشاره شد خمس بر تمامی درآمدها تعلق می‌گیرد و هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی شخص یا منطقه از این قانون مستثنی نمی‌باشد. تنها موردی که شارع در خمس فواید کسب در نظر گرفته است، مخارج سالانه خانوارها می‌باشد که از درآمد مشمول خمس کسر می‌شود.

د) واحد مشمول خمس؛ خمس یکی از فرایض مالی است که متوجه هر صاحب درآمد می‌باشد به طوری که حتی بچه نابالغ باید هنگام بلوغ خمس مال خود را بپردازد. مطابق اقوال بعضی از فقها به طور کلی خمس مقید به شرایط تکلیف نمی‌باشد.^۴ اما درآمد اشخاص حقوقی، مازاد بر اشخاص حقیقی مشمول خمس جداگانه نمی‌باشد. بنابراین واحد مشمول خمس، صاحب درآمد می‌باشد، مثلاً در

۱- الحر العاملی (۱۳۹۱ ق)، باب ۱۲ حدیث ۱ و ۲.

۲- ر.ک: النجفی (۱۹۸۲ م)، ج ۱۵، ص ۳۵-۲۳۴، الطباطبایی الیزدی (۱۳۶۳)، ص ۳۹۸-۲۹۴.

الخمینی (بی تا)، ص ۳۵۹-۳۳۲، المنتظری (بی تا)، ص ۲۲۰، الخوئی (۱۳۶۴)، ص ۳۳۹.

۳- همان. ۴- الطباطبایی الیزدی (۱۳۶۳)، ص ۴۰۲.

یک خانوار کلیه اعضای دارای درآمد، مستقلاً مشمول خمس می‌باشند. با این ملاحظه که هزینه زندگی بر عهده پدر می‌باشد، در صورت مشارکت اعضای خانواده در هزینه خانوار، می‌توان با ملاحظاتی واحد پرداخت کننده خمس را خانوار در نظر گرفت. مسئولیت پرداخت در این حالت بر عهده سرپرست خانوار خواهد بود.

ه) ساختار نرخ؛ نرخ نهایی در خمس برای مازاد درآمد از مخارج سالانه خانوار ۲۰ درصد می‌باشد. که مطابق نص آیه شریفه مقدار ثابت می‌باشد. البته طبق تعریفی که تصاعدی بودن را بر مبنای نرخ متوسط مالیاتی معرفی می‌نماید، با توجه به معافیت مخارج سالیانه، می‌توان نشان داد که خمس نیز علی‌رغم یکنواختی نرخ آن یک مالیات تصاعدی است. برای تبیین بیشتر مسئله مزبور عملیات زیر را انجام می‌دهیم:

بدهی مالیاتی هر خانوار بابت خمس در سال، مطابق تعریف خمس فواید کسب برابر است با:

$$TR_i = t(y_i - A_i) \quad y_i > A_i \quad (1)$$

که TR_i بدهی مالیاتی هر خانوار، y_i و A_i به ترتیب مجموع درآمد و هزینه‌های مصرفی هر خانوار می‌باشد و $t = 20\%$. اگر بخواهیم نرخ متوسط مالیاتی هر خانوار را نسبت به درآمد ناخالص آن به دست آوریم (at_i) در این صورت خواهیم داشت:

$$at_i = TR_i / y_i = t - t \cdot \frac{A_i}{y_i}$$

هرگاه نسبت مخارج به درآمد خانوار را b_i بگیریم $(\frac{A_i}{y_i} = b_i)$ در این صورت علی‌رغم افزایش سطح مخارج A_i با افزایش y_i (حرکت به سمت دهکهای درآمدی بالاتر) لیکن به دلیل فزونی میل نهایی به مصرف در طبقات پایین نسبت به طبقات بالای درآمدی، نرخ متوسط مالیاتی (at_i) با افزایش درآمد بیشتر خواهد شد. البته هر چند هزینه‌های قابل قبول از یک طبقه به طبقه دیگر تغییرات خیلی زیادی نمی‌کند و در نتیجه مقدار تغییرات b در دهکها ممکن است زیاد باشد ولی با توجه به ضریب 0.20 ، تغییرات نرخ متوسط مالیاتی نیز کم بوده و در نتیجه ساختار نرخ تصاعد ملایمی را تشکیل خواهد داد.

و) مصارف خمس (زابطه، خمس و بودجه دولت)؛ اساساً، خمس به دو قسمت سهم امام و سهم سادات تقسیم می‌شود. فقها مصارف خمس را در دو زمان حضور امام(ع) و غیبت ایشان مورد بحث قرار دادند و در بین آنها دو دیدگاه برای خمس

رایج است.

دیدگاه اول: مطابق این دیدگاه سهم امام ملک امام (ع) است بنابراین در دوران غیبت باید در موارد رضایت او مصرف شود. مسئولیت جمع آوری و هزینه کردن بر عهده مراجع تقلید می‌باشد، زیرا آنها به موارد رضایت امام نسبت به دیگران آگاه‌ترند. مطابق این نظر پرداخت کنندگان خمس می‌توانند شخصاً سهم سادات را در موارد آن هزینه نمایند.^۱

دیدگاه دوم: مطابق این دیدگاه خمس حق واحد و برای منصب امامت و حکومت می‌باشد و امام حق اولویت در تصرف آن را دارد. بنابراین در زمان غیبت در صورت بسط ید فقیه جامع الشرایط و تشکیل حکومت اسلامی، تمام خمس در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد تا در جهت مصالح جامعه اسلامی هزینه شود. البته به دلیل عدم تعلق صدقه، تأمین فقرای سادات نیز با خمس صورت می‌گیرد.^۲ بنابراین نظر خمس جزء بودجه دولت اسلامی می‌باشد. بنابراین می‌توان نظام مالیات بر درآمد را با جایگزین کردن خمس اصلاح نمود و اثر این جایگزینی را بر توزیع درآمد به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای اقتصادی بررسی کرد.

۲- تحلیل اصابت مالیاتی

تحلیل اصابت مالیاتی برای بررسی آثار توزیعی مالیاتها می‌باشد و در یک معنای عمومی نظریه اصابت مالیاتی نظریه توزیع کاربردی است و بر این امر متمرکز است که رژیمهای مالیاتی مختلف چگونه بازدهی عوامل و قیمت کالا را تغییر می‌دهند.^۳ به مفهوم دقیق کلمه تحلیل ایده‌آل از اصابت مالیاتی که مستلزم اطلاعات درباره تمامی سلیقه‌ها و فن آوری‌ها در اقتصاد می‌باشد یک هدف غیر ممکن می‌باشد. [تحلیل با محدودیتهای اطلاعاتی معمولاً شدید در کشورهای توسعه یافته و بویژه در حال توسعه مواجه می‌باشد]. کارستگ در اینجا ساده‌سازی‌های مفیدی است که

۱- ر.ک: الخوثی (۱۳۶۴)، ص ۲۶-۳۲۵. الحسینی الفزونی (۱۳۷۲ ش)، ص ۱۴۲. الطباطبائی الحکیم (۱۳۹۰ ق)، ج ۹، ص ۸۵-۵۷۸.

۲- ر.ک: المیلانی (۱۳۵۸)، ص ۲۷۷. الخمینی (۱۴۱۰ ق)، ج ۲، ص ۴۹۶ و رساله‌های توضیح المسائل، آقایان حسین علی منتظری، محمد فاضل لنکرانی، حسین نوری همدانی و یوسف صانعی.

3- Peter Miezowski (1969), P. 1103.

به تحلیلگران امکان توصیف ثمر بخش از اثر یک سیاست را بدهد.^۱ علی‌رغم آنکه تجزیه و تحلیل اصابت، یک تحلیل اثباتی است لیکن یک انگیزه دستوری آشکاری دارد. هدف تحلیل اصابت مالیاتی کمک به طراحی یک سیاست مفید و مناسب می‌باشد. انتخاب عقلایی در بین گزینه‌های مالیاتی برای اینکه با قاعده عدالت موافق باشد مستلزم بهترین آگاهی موجود درباره اشخاص یا گروه‌هایی از اشخاص می‌باشد. که در نهایت بار آن مالیات را تحمل خواهند کرد؛ بنابراین اصابت مالیاتی در توصیه‌ای سیاستی یک مرحله مهم و ضروری می‌باشد.^۲

روشهای مختلفی برای تحلیل اصابت مالیاتی به کار می‌رود که از این بین می‌توان به روش اصابت بودجه، روش تعادل جزئی، روش تعادل عمومی (شامل مدل‌های تعادل عمومی با مقیاس وسیع (کاربردی)^۳ و مدل‌های تعادل عمومی محاسباتی)^۴ و... اشاره نمود. در این تحقیق از روش رایج اصابت مالیاتی استفاده شده است.

۱-۲- خطوط کلی نظریه رایج اصابت مالیاتی^۵

روش رایج اصابت مالیاتی بر آن است که اصابت مالیات را از طریق اثرات آن بر درآمد مالیاتی توسط تولیدکنندگان کالا یا بخش مشمول مالیات (منابع وجوه) و مخارج مصرفی خانوارهای فردی (مصارف وجوه) تعقیب نماید. بار یک مالیات بر هر خانوار مجموع بارهایی است که توسط اعضای آن به عنوان تولیدکننده و مصرف‌کننده تحمل می‌شود.

در این روش توزیع بار مالیاتی با تکیه بر فروض ظاهراً معقول (قضاوتها) درباره اصابت مالیاتهای مختلف می‌باشد که قضاوت درباره کششهای تقاضا و عرضه و عوامل دیگر (عوامل انتقال) استوار می‌باشد.^۶

1- Russell krelove (1995 a), P. 35.

2- Ibid.

3- Apllied General Equilibrium Models.

4- Computed General Equilibrium (C.G.E).

5- Pechman and Okner (1974) PP. 27-28.

6- Russell Krelove (1995 b) PP. 43-44.

۲-۲- محدودیت‌های روش^۱

قوت روش قضاوتی تفصیل آن و کیفیت نسبتاً بالای اطلاعات می‌باشد.^۲ در حالی که مطالعات از این نوع، دیدگاه‌های مفیدی را درباره اصابت نظام مالیاتی ارائه می‌دهند، لیکن سه نقص زیر را بایستی در نظر داشت.

مدلسازی تلویحی درباره طرز کار اقتصاد: نتایج نسبت به فروض انتقال حساس می‌باشند. تغییرات معقول قضاوتها درباره اصابت مالیاتهای خاص می‌تواند به برآوردهای مختلفی از توزیع بار کل نظام مالیاتی منجر شود که یا تصاعد یا تنازل بسیار حادی را آشکار می‌سازد.^۳ برای مثال چون بیشتر تصاعد در این مطالعات ناشی از مالیات بر سرمایه می‌باشد بنابراین هرگاه فرض شود که سهم زیادتری از مالیات بر سرمایه منتقل شود به نظام بسیار تنازلی می‌توان دست یافت.

فقدان تعاملات تعادل عمومی: در ارتباط با نکته بالا مطالعات قضاوتی کلاً فاقد واکنشهای رفتاری صریح توسط خانوارها می‌باشد، در حالی که اطلاعات درباره رفتار خانوار با وجود نظام مالیاتی فعلی در دسترس می‌باشد چنین اطلاعاتی با عدم وجود مالیاتها وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان بدرستی اثر مالیات را بدون اطلاع از واکنشهای رفتاری شرکت‌کنندگان در اقتصاد حدس زد. در این صورت بخش مهمی از این مطالعات فرض می‌کنند که قیمت‌های نسبی تولیدکننده ثابت هستند و واکنش رفتاری توسط خانوارها وجود ندارد و بر این اساس بارهای مالیاتی را محاسبه می‌کنند.

مشکلات در اندلزه‌گیری درآمد: در این مطالعات بایستی یک موقعیت فرضی یا غیر واقعی^۴ برای شرایط قبل از مالیات تعریف گردد تا با موقعیت مشاهده شده بعد از مالیات مقایسه شود. نتایج اصابت مالیاتی نه تنها نسبت به فروض انتخابی اشتغال بلکه به موقعیت فرضی انتخابی درآمد نیز حساس می‌باشد. چندین مشکل در اینجا ایجاد می‌شود.^۵ مهمترین نقص در ارتباط با این مطالعات که یک تصویر زمانی نقطه‌ای از اثر مالیاتها را ارائه می‌کند، تصویری از اصابت مالیاتی در یک سال

1- Krellove, Ibid, PP. 44-45.

۲ - البته در کشورهایی مانند کشورهای توسعه یافته که از کیفیت بالای اطلاعات بر خوردارند.

3- John Whalley (1984), PP. 654-682.

4- Counterfactual.

5- Whalley (1984), Ibid.

مشخص است، در حالی که یک خانوار معین در زمانهای مختلف در گروههای درآمدی مختلف قرار می‌گیرد.

اصابت مالیاتی در طول زندگی مفهوم مناسبی برای بررسی می‌باشد. این انتقال از این بُعد ممکن است اثر مهمی بر استنباط تصاعد یا تنازل نظام مالیاتی داشته باشد.^۱ در اینجا ما با اذعان به این مشکلات و مشکلات دیگر^۲ ولی با توجه به کمبود اطلاعات از روش برآورد توزیع اصابت مالیاتی سالانه (روش رایج) استفاده می‌کنیم.

۳-۲. فروض انتقال

محاسبات اصابت مالیاتی سالانه بر پنج گروه مالیات اصلی درآمد، شرکت، فروش و کالاهای انتخابی، دارایی و تامین اجتماعی متمرکز می‌باشد. با هر کدام از این مالیاتها به گونه‌ای رفتار می‌شود که دارای اثرات طرف منابع و یا طرف مصارف می‌باشند. سه منبع عمده درآمدی بار مالیاتی را تحمل می‌کنند که عبارت از درآمد ناشی از سرمایه، درآمد ناشی از نیروی کار و انتقال (پرداختهای انتقالی) می‌باشند. برآورد اصابت مالیاتی برای کل نظام مالیاتی مبتنی بر محاسبه مجزا برای هر مالیات در گروهها و دامنه درآمدی می‌باشد.

مهمترین مطالعات در کشورهای توسعه یافته متعلق به پکمن و اکنر (۱۹۷۴) برای آمریکا می‌باشد. مطالعه مهم دیگر کار ماسگریو و دیگران (۱۹۷۴) و همچنین ماسگریوها (۱۹۸۰)^۳ می‌باشد که در مطالعه اخیر به نتایج مشابهی مانند پکمن و اکنر رسیدند. گیلس پای^۴ روش اصابت خالص مالی (مقدار منافع هر گروه درآمدی از مخارج منهای مالیاتها) را جهت اصابت مالیاتی ساده برای کانادا مورد استفاده قرار داد. براونینگ و جانسون (۱۹۷۹) نتیجه تناسبی بودن نظام مالیاتی را که توسط پکمن و اکنر و ماسگریوها ارائه شده بود، مورد انتقاد قرار داده و نشان دادند که فروض انتقال در نتایج انتقال نقش اساسی دارند. جدول زیر فروض کلیدی را که این مطالعات به کار برده‌اند به طور خلاصه نمایش می‌دهد. همچنین این جدول نشان می‌دهد که کدام مجموعه فروض، نتایج اصابت مالیاتی تصاعدی یا تنازلی را ایجاد می‌کنند.

1- See, Davies and et al. (1984), PP. 638-49. and Blomquist (1981) PP. 273-84.

2- Atkinson and Stiglitz (1987) op. cit, PP. 268-70.

3- Musgrave and Musgrave (1980).

4- Gillespie.

جدول ۱- فروض انتقال در کشورهای توسعه یافته

الگوی انتقال	تصادفی ترین	تنازلی ترین	مالیاتها و فروض انتقال	گلس پای حالت پایه	P/O کمترین توزیع مجدد	P/O بیشترین توزیع مجدد	B/j حالت رقابتی	B/j حالت جایگزین
P	✓	✓	الف) مالیات بر درآمد فردی (منتقل نمی شود) به مؤدیان بر طبق مالیاتهای بر درآمد پرداختی تخصیص داده می شود ب) مالیات بر درآمد شرکت - به کل درآمد سرمایه - نیکی به کل درآمد سرمایه، نیکی به سود سهام (سهامداران) - نیکی به کل درآمد سرمایه، نیکی به کل مصرف - نیکی به کل درآمد سرمایه، نیکی به درآمد عوامل ج) مالیات بر دارایی ۱- بر زمین - بر کل درآمد سرمایه - به صاحبان زمین - به صاحبان سرمایه - نیکی به کل درآمد سرمایه، نیکی به درآمد عوامل ۲- بر ساختمان و اعیان	✓ ✓ ✓	✓ ✓ ✓	✓ ✓ ✓	✓ ✓ ✓	✓ ✓ ✓

ادامه جدول

الگوی انتقال	نصاعدی ترین	تنازلی ترین	ماتیاتها و فرض انتقال	گلس پای حالت پایه	P/O کمترین توزیع مجدد	P/O بیشترین توزیع مجدد	B/j حالت رقابتی	B/j حالت جایگزین
P	✓		- به کل درآمد سرمایه - به پانامگاه و مصرف - نیسی به کل درآمد، نیسی به درآمد عوامل (د) فروش و انتخابی - به مصرف کنندگان کالاها مشمول	✓	✓	✓	✓	✓
R		✓	- به درآمد عوامل ه) تامین اجتماعی	✓	✓	✓	✓	✓
P			۱- بر کارکنان - به جبران کارکنان	✓	✓	✓	✓	✓
A			۲- به کارفرمایان - به جبران کارکنان	✓	✓	✓	✓	✓
A			- نیسی به جبران کارکنان و نیسی به مصرف - نیسی به جبران کارکنان - نیسی به درآمد عوامل	✓	✓	✓	✓	✓
P		✓						

B/j به برازیلینگ و جالسون (۱۹۷۸) اشاره دارد.

P/O به یکمین و اکبر اشاره دارد.

سپرون آخر جدول نشان می دهد که فرض انتقال منحنی الگوی تصاعدی (P) تنازلی (R) یا نامعلوم (A) را نتیجه می دهد. نامعلوم بودن الگوی هنگامی است که الگوهای متضاد در گروه های درآمدی رخ دهد.

منبع: Whalley op. cit. PP. 658-9

در کشورهای در حال توسعه موضوع عدالت سیاستهای مالیاتی برخی مطالعات درباره اصابت مالیاتی در این کشورها را واداشته است تا نوعاً به مالیاتهای خاص به جای کل نظام مالیاتی بپردازند. این مطالعات عموماً همان فروض انتقال، که در نوع تحلیل مرسوم یکمن و اکثر از اصابت مالیاتی در کشورهای توسعه یافته به کار رفته است، را بدون تقریباً هیچ نقدی استفاده کرده‌اند. در نتیجه نتایج این مطالعات درباره اصابت مالیاتی شبیه نتایجی است که در تحلیل اصابت مالیاتی در کشورهای توسعه یافته به دست آمده است. بررسی انتقادی از این نوشته‌ها را می‌توان در آثار بیردو ولف^۱ (۱۹۷۳)، ولف (۱۹۷۵)^۲ و همچنین شاه و والی^۳ مشاهده نمود. مؤلفان اخیر اظهار می‌دارند که مطالعات درباره تعلق مالیاتی در کشورهای در حال توسعه عموماً کشف می‌نمایند که کل نظام مالیاتی به‌طور گسترده‌ای تصاعدی می‌باشد که یا الگوی تعلق مالیاتی به شکل U را نشان می‌دهند (مالک و ثاقب برای پاکستان و مک لور^۴ برای کلمبیا) یا الگوی تصاعدی دارند (جایا سوندر،^۵ ۱۹۸۶، برای سری لانکا و لاجی^۶ برای جامائیکا و ساهوتا^۷ برای برزیل ۱۹۶۹). واسیلنکو^۸ (۱۹۸۵) بر خلاف یافته‌های فوق برای جامائیکا الگوی اصابت مالیاتی را برای کل نظام مالیاتی به شکل U معکوس به دست آورد که نشان می‌دهد که نظام مالیاتی درآمد را از گروههای درآمدی متوسط به فقرا و ثروتمندان توزیع مجدد می‌نماید.^۹ آنها تأکید می‌کنند که به کار بردن مکانیکی تحلیل اصابت مالیاتی کشورهای توسعه یافته توسط کشورهای در حال توسعه مشکلاتی را در بر دارد. فروضی که برای کشورهای توسعه یافته معقول می‌باشند ممکن است برای کشورهای در حال توسعه درست نباشد. بنابراین مسئله این است که تعیین کنیم چه نوع فروض و تحلیلهایی برای کشورهای در حال توسعه مناسب می‌باشند. چون کشورهای در حال توسعه همگن نمی‌باشند هیچ روش واحدی درباره اصابت مالیاتی برای همه آنها قابل اعمال نمی‌باشد. هر چند هنوز آموزنده است که از گروههای گسترده کشورهای در

1- Bird and De Wulf

2- Malik and Saqb (1985), P 497.

3- Shah and Whalley (1991) PP. 535-552.

4- Melure

5- Jayasundera

6- Lovejoy

7- Sahota

8 - Wasylenko.

9 - Shah and Whalley, Ibid, P. 540.

حال توسعه و پیامدهای نظامهای مالیاتی آنها برای تحلیل اصابت مالیاتی بحث شود.

ویژگیهای نهادی غیر مالیاتی نظیر بازارهای غیر رسمی یا سیاه، مهاجرت شهری - روستایی، سهمیه‌بندی اعتبارات، تمرکز صنعتی، رقابت بازاری محصول، کنترل‌های قیمتی، مقررات صدور مجوز واردات، کنترل‌های ارزی و محدودیتهای کمی، کارتها و وسعت اتحادیه سازی ممکن است فروض انتقال و هم نتایج تحلیل مرسوم اصابت مالیاتی در کشورهای توسعه یافته را تغییر دهد.^۱

در ایران نیز محققانی مانند اوشیما، دکتر فرهاد مهران^۲ و سهیلا پروین^۳ از روش رایج اصابت مالیاتی استفاده کرده‌اند. ما ضمن بهره‌گیری از مطالعات فوق و با توجه به ویژگیهای خاص خمس، چهار فرض اساسی را در رابطه با فروض انتقال مالیاتی (اصابت مالیاتی) بر می‌گزینیم.

۴-۲- فروض انتقال مورد استفاده در این مطالعه

از آنجا که خمس بر درآمد فردی و سهم افراد از سود شرکتها تعلق می‌گیرد، بنابراین باید در مقایسه با مالیات بر شرکت و درآمد فردی قرار گیرد. مالیات بر درآمد فردی عمده‌تأ در برگیرنده مالیات بر حقوق و دستمزد، مالیات بر درآمد مشاغل، و مالیات بر درآمد املاک می‌باشد. فروض انتقال به ترتیب بحث می‌شود. ذکر این نکته لازم است که معمولاً در نوشته‌های پیرامون مالیاتهای اسلامی ادعا می‌شود که با توجه به اینکه مالیاتهای ثابت اسلامی مانند زکات و خمس یک امر عبادی هستند و مؤدیان آن را به عنوان یک تکلیف الهی تلقی می‌کنند، بنابراین مؤدیان آن را شخصاً پرداخته و به دیگران منتقل نمی‌کنند. حال آنکه به نظر می‌رسد این ادعا به طور کلی صحیح نمی‌باشد زیرا اولاً مفهوم اصابت مالیاتی اعم از انتقال بار پولی به دیگران می‌باشد و هر نوع کاهش در تلاش کاری و پس‌انداز و همچنین کلیه تاثیراتی که موجب کاهش رفاه دیگران در اثر این تغییر مالیاتی شود، نیز به نوعی انتقال بار واقعی (اقتصادی) مالیاتی می‌باشد. البته یکی از عوامل موثر بر انتقال

1- Shah and Whalley, Ibid. P. 540.

2- Mehran (1975).

۳- سهیلا پروین (۱۳۷۳)، فصل چهارم.

مالیات، فرهنگ مالیاتی است؛ هر چند فرد مسلمان خود را متعهد به انجام تکلیف می‌داند و بنابراین بار پولی خمس را می‌پردازد ولی انتقال بار واقعی همچنین به عوامل دیگری مانند کشش عرضه و تقاضا، ساختار اقتصاد بستگی دارد. به‌علاوه اجتناب مالیاتی به‌صورت گرایش به سمت هزینه بیشتر زندگی و استفاده از ویژگی معافیت هزینه زندگی در خمس که حتی امروزه در نزد متعهدان به پرداخت خمس نیز مشاهده می‌شود، خود نوعی نتیجه انتقال را در بر دارد. وانگهی طرح جایگزین برای جامعه فعلی پیشنهاد شده است که در راه گذر به جامعه ایده‌آل اسلامی می‌باشد بنابراین امکان انتقال خمس به دیگران دور از انتظار نیست. از این‌رو فروزی که انتخاب می‌شود در رابطه با هر دو نظام خمس و مالیات بر درآمد متعارف می‌باشد تا با توجه به برآورد بار مالیاتی در گزینه‌های مختلف فروض انتقال مالیاتی عملکرد هر دو نظام قابل ارزیابی شود.

الف - مالیات بر درآمد فردی

فرض معمول در متون درباره توزیع بار مالیات بر درآمد این است که این نوع مالیات منتقل نمی‌شود و بر مؤدیان تحمیل گردیده و براساس مالیاتهای پرداختی بر درآمد بین آنان توزیع می‌شود (جدول ۱). منطق فرض فوق که در چارچوب یک مدل رقابتی می‌باشد این است که ظاهراً کارگران و سرمایه‌گذاران ساعات کاری یا پس‌انداز خود را در واکنش به تغییرات در نرخهای مالیاتی تغییر نمی‌دهند و یا لاقط گروههایی مانند جوانان و بعضی از زنان که نیروی کار یا مشارکت خود را تغییر می‌دهند نسبت نسبتاً کوچکی از کل نیروی کار عرضه شده را تشکیل می‌دهند و با توجه به اینکه اقتصاد در اشتغال کامل و یا نزدیک آن می‌باشد. پس‌انداز خصوصی علی‌رغم تغییرات وسیع در کل بار مالیاتی و در ترکیب آن برای سالیان متمادی ثابت می‌باشد. به عبارت دیگر این فرض مبتنی بر این است که وضع مالیات، تقاضا یا عرضه عوامل تولید را تغییر نمی‌دهد. (به‌خاطر اینکه بهره‌وری با مالیات تغییر نمی‌کند) و بنابراین سهم عوامل بدون تغییر می‌ماند.^۱

فرض فوق را با توجه به وضعیت نیروی کار در کشور که در معرض بیکاری قرار دارد و همچنین با توجه به نحوه اخذ مالیات حقوق و دستمزد و همچنین با نادیده گرفتن اثرات فوق (کاهش تلاش کاری و پس انداز...) می‌توان گفت این مالیات به غیر مؤدی منتقل نمی‌شود.

اما در ارتباط با توزیع بار مالیات بر مشاغل باید این نکته را در نظر داشت؛ مالیات بر مشاغلی که در بازارهای انحصاری مشغول‌اند (نظیر پزشکان و قضات و...) ممکن است بهای این خدمات را افزایش دهند، از این رو در مطالعه تجربی اصابت مالیاتی در مورد مشاغل چهار گزینه وجود دارد.

در گزینه اول می‌توان فرض کرد که مالیات بر مشاغل شبیه مالیات بر حقوق و دستمزد بر مالیات‌دهندگان قانونی تحمیل می‌شود. در گزینه دوم ۵۰ درصد مالیات به خود فرد شاغل و ۵۰ درصد دیگر به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود. در گزینه سوم فرض بر این است که مالیات دریافت شده در قالب قیمت‌های بالاتر به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود. در گزینه چهارم ۵۰ درصد مالیات به خود فرد شاغل و ۲۵ درصد دیگر به مصرف‌کنندگان و ۲۵ درصد به کارکنان حقوق و دستمزد بگیر منتقل می‌شود.^۱

در رابطه با مالیات بر درآمد املاک و دارایی نیز می‌توان گزینه‌های فوق را پذیرفت.

ب- مالیات بر درآمد شرکت

مالیات بر درآمد شرکت شامل مالیات بر شرکتهای خصوصی و مالیات بر شرکتهای دولتی می‌باشد. چون شرکتهای خصوصی تنها مشمول خمس می‌باشند بنابراین انتقال مالیات در رابطه با آنها مورد بحث قرار می‌گیرد.

دیدگاه کلاسیک این است که مالیات بر درآمد شرکت در کوتاه مدت منتقل نمی‌شود. خواه بنگاههای تجاری در بازارهای رقابتی یا انحصاری عمل کنند. دلیل آن این است که حداکثر سود وقتی اتفاق می‌افتد که هزینه تولید یک واحد اضافی

محصول برابر با درآمد اضافی حاصل از فروش آن باشد و بنگاهی که به دنبال حداکثر کردن سود خود می‌باشد سطح محصول و قیمت‌هایی را که سود را قبل از مالیات حداکثر می‌کردند هنوز سود را بعد از وضع مالیات هم حداکثر می‌کند. در نتیجه مالیات بر درآمد شرکت نبایستی بر تصمیمات قیمت گذاری تأثیر بگذارد.

استدلال مخالف این دیدگاه این است که امروزه بازارها نه کاملاً رقابتی و نه کاملاً انحصاری هستند و این بنگاهها ضرورتاً به دنبال حداکثر کردن سودهایشان نیستند در چنین بازارهایی بنگاههای تجاری قدرت تعیین قیمت را دارند تا بدین وسیله هزینه‌هایی را که به نظر آنها علاوه بر یک حد مشخص سود هستند بیوشاند. بنگاهها ممکن است مالیات بر درآمد شرکت را به عنوان یک جزء هزینه حساب کنند و قیمت‌ها را به قدری افزایش دهند تا مالیات را بیوشاند. دیگر اینکه بنگاهها ممکن است یک نرخ بازدهی سرمایه را برای سرمایه خودشان در نظر داشته باشند، هرگاه قرار باشد این نرخ بازدهی بعد از وضع مالیات حفظ شود، مالیات بایستی به جلو یعنی مصرف کنندگان یا به عقب یعنی به کارگران منتقل شود یا ممکن است بخشی به جلو و بخشی به عقب منتقل گردد.^۱

شرایط مناسب برای انتقال بار مالیاتی به کارکنان شرکتها، کشش جانشینی پایین بین سرمایه و کار و نیز استفاده از فن‌آوری کاربر است (این شرایط در ایران کمتر صادق است) بنابراین با توجه به سطح دستمزدها و یارانه‌هایی که در قالب اعتبارات ارزان به سرمایه پرداخت می‌شود مالیات بر سود شرکتها کمتر می‌تواند به مزد و حقوق بگیران این بخش منتقل شود. بنابراین منطقی‌ترین فرض در مورد توزیع مالیات بر سود شرکتها، تغییر در قیمت‌های نسبی کالاها و انتقال آن به مصرف کنندگان است و در عین حال در تعیین سهم مالیات بر شرکتها در نرخ اصابت مالیاتی چهار گزینه در نظر گرفته شده است بنابراین فرض شده است که در گزینه اول تمام بار بر صاحبان سهام و در گزینه دوم نیمی بر صاحبان سهام و نیمی بر مصرف کنندگان و در گزینه سوم تمام بار بر مصرف کنندگان و در گزینه چهارم نیمی بر صاحبان سهام و ۲۵ درصد بر مصرف کنندگان و ۲۵ درصد بر کارکنان شرکتها

1- Pechman and okner op. cit, PP. 34-5.

تحمیل می‌شود.

مجموعه فرضیات به ترتیب گزینه اول، دوم، سوم و چهارم درجدول (۲) نشان داده می‌شود.

جدول ۲- گزینه‌های مختلف در توزیع مالیات خانوار (فروض انتقال)

گزینه‌ها	مالیات حقوق و دستمزد	مالیات مشاغل	مالیات بر درآمد مستقلات	مالیات بر سود شرکتهای خصوصی
۱	مؤدیان	مؤدیان	مؤدیان	مؤدیان
۲	مؤدیان	نیسی بر مؤدیان و نیسی	نیسی بر مؤدیان و نیسی	نیسی بر مؤدیان و نیسی
۳	مؤدیان	بر مصرف‌کنندگان	بر مستأجران	بر مصرف‌کنندگان
۴	مؤدیان	نیسی بر مؤدیان، ۲۵ درصد بر مصرف‌کنندگان	نیسی بر مؤدیان و نیسی	نیسی بر مؤدیان، ۲۵ درصد بر مصرف‌کنندگان
		و ۲۵ درصد بر کارکنان	بر مستأجران	و ۲۵ درصد بر کارکنان

۲-۵- مبنای تخصیص انواع مالیاتها

همان‌طور که قبلاً ذکر شد افراد به عنوان تولیدکننده یا مصرف‌کننده، پرداخت‌کننده نهایی مالیاتها می‌باشند، ولی برای سادگی و با توجه به دسترسی آمار، کوچکترین واحد پرداخت‌کننده نهایی مالیات، خانوار در نظر گرفته می‌شود که مالیاتها بر مبنای منابع درآمد و مصارف خانوار بر او تحمیل می‌گردد. بنابراین مالیات بر درآمد حقوق و دستمزد بر درآمد ناشی از کار و مالیات بر مشاغل از درآمد مشاغل و مالیات بر شرکت بر درآمد ناشی از دارایی خانوار پرداخت می‌شود. در بعضی از گزینه‌ها بار مالیاتی بر مبنای ترکیبی از منابع فوق و (یا) مصارف مشمول مالیات خانوار توزیع می‌شود. لازم به ذکر است به‌واسطه اینکه مالیات خمس برای تمام منابع درآمدی دارای نرخ واحد می‌باشد و با توجه به همگونی نسبی گزینه‌ها، بنابراین بر مبنای سه منبع حقوق و دستمزد، درآمد غیر حقوق و دستمزد (شامل درآمد مشاغل و سایر درآمدها) بین خانوارها توزیع می‌شود. مبنای توزیع انواع مالیاتها و خمس در جدول (۲) نمایش داده می‌شود.

جدول ۳- مبنای توزیع انواع مالیات و خمس بین خانوارهای مختلف در سال ۱۳۷۵

نوع مالیات	مقدار مالیات در ۱۳۷۵ (میلیارد ریال)	مبنای مالیات و خمس
مالیات بر درآمد:	۵۲۹۱/۷	
مالیات بر درآمد	۲۹۸۶/۹	
نسردی	۱۵۸۶	درآمد پولی و غیر پولی ناشی از حقوق و دستمزد بگیری
دستمزد و حقوق	۱۲۰۴/۸	۱- درآمد مشاغل غیر کشاورزی
مشاغل		۲- نیمی بر مخارج مصرفی و نیمی بر درآمد مشاغل غیر کشاورزی
		۳- بر مخارج مصرفی
		۴- نیمی بر درآمد مشاغل ۲۵ درصد مخارج مصرفی و ۲۵ درصد درآمد دستمزد و حقوق بخش خصوصی
		درآمدهای متفرقه
مستغلات	۱۹۷/۱	معاف (درآمد مشاغل کشاورزی)(۱)
درآمد کشاورزی	—	۱- سود سهام (سود شرکتها)(۲)
مالیات بر شرکتهای	۲۳۰۴/۸	۲- نیمی بر سود سهام (سود شرکتها) و نیمی بر مخارج مصرفی
خصوصی		۳- بر مخارج مصرفی
		۴- نیمی بر سود سهام (سود شرکتها) و ۲۵ درصد بر مخارج مصرفی و ۲۵ درصد بر دستمزد و حقوق بخش خصوصی

(۱)- درآمد مشاغل کشاورزی خانوارهای شهری مشمول خمس است.

(۲)- کلیه سود (سود سهام و سود توزیع نشده) مشمول خمس می‌باشد.

۳- برآورد توزیع بار مالیاتی و خمس

توزیع بار مالیاتی و خمس مستلزم اطلاعات لازم از مبنای تخصیص انواع مالیاتها و خمس می‌باشد. در جایی که اساس تشخیص و اخذ مالیات بر اظهارنامه می‌باشد و اظهارنامه‌ها از دقت لازم برخوردار بوده و اطلاعات آن در دسترس می‌باشد، برآورد توزیع بار مالیاتی و شبیه سازی آن براساس فروض مختلف از روی

اطلاعات موجود و با توجه به اطلاعات درآمد و هزینه خانوار و اطلاعات جمعیتی (سرشماریهای) توسط برنامه‌های کامپیوتری قابل محاسبه می‌باشد. چنان‌که پکمن و اکنر فایل ادغامی^۱ خود را از مجموعه اطلاعات اداره فرصت اقتصادی آمریکا و اطلاعات اظهارنامه‌های مالیاتی درست کردند که بعدها با تجدید نظر در آن، پایه اطلاعاتی خرد تحلیلی در بسیاری از تحقیقات در آمریکا شده است.^۲

چنین اطلاعات درآمدی در کشور را می‌توان تنها از آمار هزینه و درآمد خانوارها در سطح خانوارهای نمونه به‌دست آورد. اما متأسفانه همین اطلاعات در جانب درآمد دچار کم‌گویی بوده و در جانب هزینه نیز با احتیاط مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو مجبوریم درآمد و هزینه‌های خانوارها را از آمارهای کلان اقتصادی به‌دست آورده سپس با یک توزیع در بین دهکهای خانوارهای شهری توزیع نماییم. آمارهای مربوط به مالیاتهای بر درآمد متناظر از مجموعه آمارهای منتشره توسط سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد و دارایی به‌دست می‌آید که خود از قوانین بودجه استخراج شده‌اند.

انتخاب جامعه شهری به جای کل کشور از این جهت است که بخش کشاورزی از مالیات معاف ولی مشمول خمس می‌باشد، بنابراین برای دقت بیشتر در مقایسه بین مالیات و خمس جامعه آماری تحقیق را به جامعه شهری محدود می‌کنیم.

۱-۳- برآورد توزیع درآمد در جامعه شهری

توزیع درآمد شخصی هر جامعه به دو صورت قابل مطالعه است:^۳

یکی روش غیر پارامتری^۴ است که تنها با استفاده از نقطه‌های نمونه (مشاهدات) صورت می‌گیرد. مانند استفاده از چند ضلعی لورنز^۵ و محاسبه ضریب جینی متناظر، اما در روش دوم که روش پارامتری می‌باشد، نخست الگوی آماری ریاضی پدیده توزیع درآمد جامعه مورد مطالعه کشف می‌گردد. پس از به‌دست آوردن الگوی توزیع درآمد می‌توان انواع شاخصهای مورد نظر آن از قبیل شاخصهای مرکزی و

1- Merge File.

2- Ibid, PP. 20-24 and Appendix A.

۳. اسماعیل ابو نوری (۱۳۷۱)، صص ۱۵۳ - ۱۵۱.

4 - Nonparametric method.

5- Lorenz polygon.

پراکندگی، تابع جبری منحنی لورنز متناظر با الگو، شاخصهای نابرابری اقتصادی از قبیل ضریب جینی و شاخص اتکینسن و واریانسهای آنها را به دست آورد. برای کشف الگوی توزیع درآمد (هزینه، پس انداز و غیره) هر جامعه، توجه به ویژگیهای زیر اهمیت دارد:

الف) بتوان پارامترهای آن را برآورد نمود.

ب) دارای کیفیت برازش خوبی باشد.

ج) پارامترهای آن قابل تفسیر باشد.

د) انعطاف پذیر باشد (الگویی باشد که در بیشتر زمانها و مکانها صدق می کند).

یکی از ساده ترین الگوهای مهم کاربردی مطرح شده در زمینه تحقیقات پارامتری توزیع درآمد شخصی الگوی پارتو^۱ می باشد. اگر y درآمد (هزینه، پس انداز و غیره) و $F(y)$ فراوانی نسبی تجمعی واحدهای درآمدی (مثلاً خانوار) با درآمدی تا حد y در نظر گرفته شود، در این صورت قانون پارتو در توزیع درآمد بیان می دارد که در تمام مکانها و در تمام زمانها توزیع درآمد با فرمول تجربی زیر مشخص می شود:

$$R(y) = \left(\frac{y}{y_0}\right)^{-\alpha} \quad y > y_0.$$

$$R(y) = 1 \quad y < y_0.$$

که $R(y) = 1 - F(y)$ نسبتی از صاحبان درآمد است که دارای درآمدی برابر با y یا بیشتر از آن می باشند و a تقریباً برابر یک و نیم می باشد.

تابع چگالی توزیع پارتو از دیفرانسیل گیری رابطه بالا نسبت به y به دست می آید.

$$f(y) = \alpha y_0^\alpha y^{-1-\alpha} \quad y \geq y_0.$$

$$f(y) = 0 \quad y < y_0.$$

که y_0 عامل مقیاس و α پارامتر پارتو می باشد.

توزیع پارتو تنها برای درآمدهای بسیار بالاتر از مُد^۲ معتبر می باشد و امروزه اعتراف بر این است که توزیع پارتو حداکثر برای توزیع ۵۰ درصد جمعیت مناسب می باشد هر چند خود پارتو اظهار می کرد که قانون او برای تمام دامنه های درآمد

1- Pareto

۲- مُد سطحی از درآمد است که حداکثر مقدار تابع چگالی را ایجاد می کند.

صحیح می‌باشد.^۱ به‌خاطر این ضعف در توزیع پارتو توصیه شده است تا از تابع توزیع دو طرفه پارتو^۲ استفاده گردد. تابع چگالی توزیع فوق به‌صورت ذیل می‌باشد:

$$f(y) = \begin{cases} (1-k)\left(\frac{y}{y_0}\right)^{-\alpha} & 0 < y < y_0 \\ 1 - k\left(\frac{y}{y_0}\right)^{-\alpha} & y > y_0 \end{cases}$$

y_0 سطح درآمدی است که در آن تابع چگالی تغییر علامت می‌دهد و k درصدی از جمعیت است که درآمدشان از y_0 کمتر می‌باشد و α پارامتر شکل دهنده توزیع پارتو دو طرفه محسوب می‌شود.

میانگین در تابع فوق برابر خواهد بود با:

$$\mu = A \frac{\alpha(\alpha-k)}{\alpha^2-1}, \quad k = 1-\gamma k^*$$

و تابع توزیع عبارت است از:

$$L(p) = \begin{cases} \frac{(\alpha-1)}{\alpha-1+\gamma k} (1-k)^{-1/\alpha} p^{1/\alpha+1} & P \leq 1-k \\ 1 - \frac{\alpha+1}{\alpha-1+\gamma k} k^{\frac{1}{\alpha}} \cdot (1-p)^{-\frac{1}{\alpha}+1} & P > 1-k \end{cases}$$

رابطه مابین ضریب جینی و پارامترهای تابع توزیع فوق برابر است با:

$$G = \frac{3\alpha}{4\alpha^2-1} - k^* \frac{(\alpha^2-1)}{(\alpha-k^*)(4\alpha^2-1)}$$

در مطالعات تجربی ثابت شده است که تقریباً در مطلوبترین حالت $k = \frac{1}{p}$ و در

نتیجه $k^* = 0$ می‌باشد. در این صورت روابط فوق به صورت زیر خلاصه می‌گردند:

$$G = \frac{3\alpha}{4\alpha^2-1}$$

$$P \leq \frac{1}{4} \quad \frac{\alpha-1}{2\alpha} (\gamma P)^{\frac{1}{\alpha} + 1}$$

$$L(p) =$$

$$1 - \frac{\alpha+1}{2\alpha} (\gamma q)^{-\frac{1}{\alpha} + 1} \quad q = 1 - p, P > \frac{1}{4}$$

با توجه به محاسبه ضریب جینی از روی آمار هزینه خانوار شهری سال ۱۳۷۵ (به عنوان سال محاسبه) می‌توان پارامتر پارتو متناظر (α) را به دست آورد، سپس با استفاده از تابع توزیع، سهم مخارج مصرفی در دهکهای هزینه یا درآمد خانوار قابل محاسبه خواهد بود.

$$\text{سهم مخارج مصرفی دهک دهم} = L(1) - L(0.9) = 1 - L(0.9)$$

سهمهای برآورد شده را با سهمهای واقعی مقایسه کرده، چنانچه اختلاف ناچیز باشد نشانگر این است که پارامترهای توزیع از جمله k مناسب انتخاب شده‌اند. ولی اگر اختلاف فاحش بود مقدار k را تغییر داده و با محاسبه α جدید سهمهای جدید برآورد می‌شوند.^۱

ضریب جینی برای مخارج مصرفی خانوارهای شهری با استفاده از فرمول زیر محاسبه شده است:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^n (P_i - P_{i-1})(y_i + y_{i-1})$$

ضریب جینی برای مخارج مصرفی واقعی دهکهای هزینه به صورت $G = 0.381$ محاسبه شده است و با احتساب $K = \frac{1}{P}$ مقدار پارامتر $\alpha = 21.07$ می‌باشد. باید یادآور شد که به علت متفاوت بودن فرمول فوق با فرمول توزیع پارتو، ضریب جینی به دست آمده از دو طریق با هم متفاوت خواهد بود.

جدول (۴) مخارج مصرفی یک خانوار نمونه شهری را در هر دهک هزینه و سهم واقعی آن (SC_p) و سهمهای برآوردی (SC_p) را نشان می‌دهد.

۱- با انتخاب k های متفاوت و محاسبات متعدد معلوم شد تغییر چندانی در نتایج ایجاد نمی‌شود.

جدول ۴- سهم مخارج مصرفی واقعی و برآوردی هر خانوار شهری (۱۳۷۵)

دهکها (۱)	مقدار واقعی مخارج مصرفی (ریال) (۲)	سهم واقعی (SC۱)٪ (۳)	سهم برآوردی (SC۲)٪ (۴)	تفاوت (۳) - (۴)
اول	۲۳۰۰۳۵۱	۲/۱۰	۲/۳۷	۰/۲۷
دوم	۴۰۹۱۲۸۰	۳/۶۰	۴/۲۶	۰/۶۶
سوم	۵۳۴۵۳۶۲	۴/۸۰	۵/۴۶	۰/۶۶
چهارم	۶۶۷۱۲۵۷	۶	۶/۴۴	۰/۴۴
پنجم	۷۹۲۴۰۴۶	۷/۲۰	۷/۲۷	۰/۰۷
ششم	۹۴۶۵۸۹۶	۸/۵۰	۸/۱۷	-۰/۳۳
هفتم	۱۱۳۴۲۱۱۰	۱۰/۲۰	۹/۱۳	-۱/۰۷
هشتم	۱۳۸۳۴۱۶۱	۱۲/۵۰	۱۰/۷۶	-۱/۷۴
نهم	۱۸۱۰۵۹۸۹	۱۶/۳۰	۱۳/۹۰	-۲/۴۰
دهم	۳۱۶۳۹۴۰۷	۲۸/۶۰	۳۲/۲۴	۳/۶۴

نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری

اصولاً می‌دانیم توزیع درآمد از توزیع هزینه‌های مصرفی نامتعادل‌تر است چرا که عمدتاً پس‌انداز بیشتر در گروه‌های درآمدی بالاتر تشکیل می‌شود و معمولاً این اختلاف حدود ۲۰ درصد می‌باشد. بنابراین با توجه به ضریب جینی جدید برای توزیع درآمد ($G=0/45$) α متناظر و در نتیجه توزیع جدید را برای درآمد محاسبه می‌کنیم.

اکنون با توجه به توزیع درآمد و برآورد مخارج مصرفی متناظر آن در هر گروه (دهک) میزان خمس و بار مالیاتی را بین دهکها توزیع می‌کنیم. همان‌طور که ذکر شد توزیع بار مالیاتهای متفاوت براساس اجزاء درآمد (مبانی مالیاتها) می‌باشد. ترکیب درآمد (سهم اجزاء) با توجه به آمار درآمد در دهکهای مختلف از نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری به دست می‌آید.

در این محاسبه، سهم درآمدهای متفرقه گروه اول ۷۶/۹ درصد می‌باشد^۱ که نشانگر دریافت کمکه‌های بیشتر این خانوار نسبت به دهکهای دیگر است. متوسط درآمد خانوار براساس توزیع کل درآمد براساس سهمهای محاسبه شده توسط توزیع درآمد پارتو با ضریب جینی ۰/۴۵ برآورد شده است. کل درآمد خانوارهای شهری از رابطه زیر به دست آمده است:

ارزش افزوده بخش کشاورزی - (درآمدهای دولت - درآمد ملی به قیمت عوامل) = درآمد خانوارهای شهری در رابطه فوق داخل پرنانتر درآمد مشمول خمس می‌باشد. ارزش افزوده بخش کشاورزی به عنوان درآمد خانوارهای روستایی به صورت تقریبی در نظر گرفته شده است.

بنابراین کل درآمد جامعه شهری قبل از پرداخت مالیاتهای مربوطه در سال ۱۳۷۵ به صورت زیر خواهد بود:

$$۱۱۳۱۰۷/۱ = ۵۷۲۲۷/۴ - ۴۴۷۸۲/۷ - ۱۹۹۱۱۷/۲$$

میزان مخارج مصرفی هر خانوار در هر دهک نیز از توزیع کل هزینه مصرفی خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۵ (مبلغ ۱۰۲۶۸۰/۸ میلیارد ریال) براساس سهمهای برآوردی مخارج مصرفی خانوارها به دست می‌آید.

۴-۳- توزیع بار خمس و مالیات

مبنای خمس هر خانوار با توجه به تعریف خمس و ویژگیهای آن، برابر با مازاد درآمد اعضای آن خانوار نسبت به مخارج مصرفی سالانه (هزینه زندگی) خانوار می‌باشد. خمس نسبت به تمام اجزاء درآمد، دارای قانون و نرخ یکسان می‌باشد، لیکن به لحاظ فروض مختلف انتقال، توزیع بار مالیاتی در بین خانوارهای مختلف که دارای ترکیب درآمدی و همچنین مخارج مصرفی متفاوت می‌باشند با هم فرق خواهد کرد. از این رو توزیع بار مالیاتی (خمس) مطابق چهار گزینه درباره فروض انتقال در بین خانوارهای شهری محاسبه می‌گردد. میزان بدهی کل خانوارهای شهری بابت خمس در سال ۱۳۷۵ مبلغ ۲۳۵۱/۸۸ میلیارد ریال برآورد گردید که

۱- ر.ک: گیلک حکیم آبادی (۱۳۷۹)، فصل پنجم.

جدول (۶) نرخ مؤثر مالیاتی (خمس) را برای هر خانوار نشان می‌دهد. در بحث بعدی نشان داده می‌شود که گزینه ۱ و ۳ به ترتیب بیشترین و کمترین آثار توزیعی را دارند؛ بنابراین برای مقایسه توزیع بار مالیاتی دو گزینه فوق برای نظام مالیات بر درآمد فعلی در سال ۱۳۷۵ محاسبه می‌شود، در این رابطه توضیحات زیر لازم به نظر می‌رسد.

۱- جدول نرخهای مالیات بر حقوق و دستمزد برای بخش عمومی و خصوصی متفاوت می‌باشد و دلیل این تفاوت در این است که حداقل معافیت در بخش عمومی در سال ۱۳۷۵ مبلغ ۱۸۰۰۰۰ ریال و در بخش خصوصی ۱۵۰۰۰۰ ریال در ماه می‌باشد. بنابراین با توجه به ترکیب درآمد حقوق و دستمزد در بخش عمومی و خصوصی میزان مالیات یک خانوار به‌طور متوسط از روی جدول فوق‌الذکر برآورد گردید.^۱ سپس مقدار عملکرد مالیات حقوق و دستمزد در سال ۷۵ (مبلغ ۱۵۸۶ میلیارد ریال) براساس سهم بدهی مالیاتی برآوردی آنها بین دهکها توزیع شد و مقدار بدهی مالیاتی واقعی هر خانوار در هر دهک بدین‌وسیله محاسبه گردید.

۲- با توجه به اینکه به‌دست آوردن میزان سهم هر خانوار از درآمد مستغلات - که جزء درآمدهای متفرقه می‌باشد- ممکن نبود و همچنین به لحاظ اندک بودن این نوع مالیات نسبت به مالیاتهای مورد بحث (۳/۷ درصد) و در نتیجه تاثیر کم آن بر توزیع مجدد درآمد از توزیع آن چشم‌پوشی شد.

۳- همان‌طور که نشان داده شد مبنای مالیات بر سود شرکتها، میزان سود شرکتها و به عبارت دیگر درآمد خانوارها ناشی از سود شرکتها می‌باشد که در درآمدهای متفرقه گنجانده شده است و بنابراین به‌دست آوردن سهم آن ممکن نبود. اما آقای حمزه‌پور با مطالعه ۱۰۱۰۸ پرونده مالیات بر شرکتها در سال ۱۳۷۱ و طبقه‌بندی آنها نشان دادند که بیش از ۸۹ درصد مالیات دریافتی شرکتها مشمول نرخ نهایی ۵۴ درصد می‌باشد و به عبارت دیگر از طبقات درآمدی بالا دریافت شده

۱- مانند این است که تعدادی از خانوارها در هر دهک فقط در بخش عمومی و تعداد دیگر در بخش خصوصی مشغول هستند و تعداد خانوارها در هر دهک با توجه به سهم حقوق و دستمزد دو بخش نسبت به کل درآمد حقوق و دستمزد هر خانوار در هر دهک به‌دست می‌آید.

است.^۱ همچنین به ادعای کارشناسان تقریباً دو دهک آخر درآمد مالیاتهای بر شرکت را می‌پردازند. با توجه به اینکه در مالیات بر مشاغل نیز تقریباً چنین روندی وجود دارد از این رو با نظر به سهم بدهی مالیاتی برآوردی مشاغل، میزان بدهی واقعی خانوارها محاسبه گردید.

میزان بدهی مالیاتی هر خانوار از جمع بدهیهای واقعی مالیاتی به دست می‌آید. همچنین برای محاسبه بدهی مالیاتی در گزینه ۳، که فرض بر این است تمام مالیاتهای بر درآمد بجز مالیات حقوق و دستمزد به مصرف کنندگان تحمیل می‌شود، میزان بدهی فوق براساس برآورد سهمهای مخارج مصرفی خانوارها بین آنها تقسیم شد و سپس با جمع بدهی بابت مالیات حقوق و دستمزد بدهی کل هر خانوار، تحت گزینه ۳ محاسبه گردید.^۲ جدول (۷) میزان بار کل بدهی مالیاتی خانوارها را تحت دو گزینه ۱ و ۳ نشان می‌دهد.

۴- تحلیل آثار توزیعی مالیاتها

مالیاتها هر چه از درجه تصاعد بیشتری بر خوردار باشند از لحاظ نظری به توزیع مجدد درآمد بیشتر کمک می‌کنند و از این رو مالیات تناسبی تأثیری در توزیع مجدد ندارد در حالی که مالیات تنازلی موجب بدتر شدن وضعیت آن می‌شود. البته در واقع ممکن است در اثر انتقال مالیات، نتایج نهایی فرق نماید، از این رو لازم است که نه تنها جهت تصاعد بلکه درجه آن نیز اندازه‌گیری شود. هر چند تشخیص مالیات تصاعدی، تناسبی و نزولی به سهولت امکان‌پذیر است ولیکن شناخت درجه تصاعد یا درجه نزولی بودن نسبتاً پیچیده است و هنوز شاخصی عمومی وجود ندارد که مورد قبول همگان باشد.

۴-۱- شاخصهای اندازه‌گیری درجه تصاعد

راههای گوناگونی برای اندازه‌گیری درجه تصاعد وجود دارد. این شاخصها

۱- محمد حسین حمزه‌پور (۱۳۷۳)، صص ۴۲-۶۱.

۲- البته واضح است که محاسبه دقیقتر بر مبنای مخارج مصرفی مشمول مالیات شرکتهای تولیدکننده کالاهای مشمول مالیات صورت می‌گیرد که به اطلاعات جزئی‌تر نیاز دارد.

عبارت‌اند از: شاخص تصاعد نرخ متوسط، شاخص تصاعد بدهی، شاخص تصاعد درآمد باقیمانده، شاخص کاکوانی^۱ و شاخص سویتس.

در این تحقیق از شاخص سویتس^۲ (که از این به بعد شاخص S نامیده می‌شود) به‌خاطر سادگی در محاسبه و عدم نیاز به اطلاعات اضافی برای اندازه‌گیری تصاعد خمس و مالیات بر درآمد و در نتیجه تحلیل آثار توزیعی طرح جایگزینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو درباره آن توضیح مختصری داده می‌شود.

شاخص S در رابطه با منحنی لورنز و ضریب جینی به‌دست می‌آید با این تفاوت که درصد تراکمی بار مالیاتی بر روی محور عمودی در مقابل درصد تراکمی درآمد بر روی محور افقی ترسیم می‌شود. مانند منحنی لورنز هرگاه بار مالیاتی، متناسب با درآمد خانوار باشد منحنی مزبور بر قطر منطبق می‌شود و هرگاه مالیات بر درآمد تصاعدی باشد درصد بار مالیاتی که توسط پایینترین گروه‌های درآمدی تحمل می‌شود کوچکتر از سهم آنها از درآمد کل می‌باشد و در نتیجه منحنی در زیر قطر قرار می‌گیرد و در مقابل، درصد کل بار مالیاتی که بر خانواده‌های با درآمد پایین تحمیل می‌شود در یک مالیات تنازلی از درصد سهمشان از کل درآمد بیشتر است، بنابراین منحنی که مطابق بار مالیات بر فروش است، در بالای قطر واقع می‌شود. مشابه ضریب جینی شاخص تصاعد S بر حسب K مساحت مثلث OAB و L مساحت OABC که مابین منحنی لورنز و محور افقی OA است به شرح زیر تعریف می‌شود:

$$S = (K-L)/K = 1 - \left(\frac{L}{K}\right)$$

که برای یک مالیات تناسبی $L=K$ و در نتیجه $S=0$ است و برای مالیات تصاعدی $0 < S \leq 1$ و برای مالیات نزولی $-1 \leq S < 0$ می‌باشد که دو حالت $S=1$ و $S=-1$ حالات افراطی است که به ترتیب نابرابرترین حالات تصاعدی و نزولی می‌باشند.

۲-۴- اندازه‌گیری تصاعد خمس و مالیات بر درآمد

همان‌گونه که گفته شد مالیات‌های یکنواخت به علت دارا بودن معافیت، تصاعدی

1- Kakwani (1976), PP. 71-2; Kakwani (1980), P. 248.

2- Suits (1977), PP. 747-52.

محسوب می‌شوند، هر چند نرخ نهایی در آنها ثابت می‌باشد. همچنین انتقال مالیاتی باعث می‌شود الگوی توزیع بار مالیاتی تغییر نماید. جدول (۵) با نشان دادن شاخص S برای چهار گزینه از فروض انتقال خمس واقعیت فوق را نشان می‌دهد.

جدول ۵. شاخص S برای گزینه‌های مختلف (خمس)

دهکها	درصد تراکمی کل درآمد	درصد تراکمی بدهی خمس هر خانوار		
		گزینه اول	گزینه دوم	گزینه سوم
اول	۱/۸۳	۰	۰/۹۵	۱/۹۰
دوم	۵/۳۷	۰	۲/۶۶	۵/۳۱
سوم	۱۰/۰۸	۰	۴/۸۵	۹/۶۸
چهارم	۱۵/۷۶	۰	۷/۴۳	۱۴/۸۴
پنجم	۲۲/۳۰	۰	۱۰/۳۴	۲۰/۶۶
ششم	۲۹/۶۶	۰	۱۳/۶۱	۲۷/۲۱
هفتم	۳۸/۱۳	۱/۷۵	۱۸/۴۶	۳۵/۱۶
هشتم	۴۸/۳۷	۶/۲۹	۲۵/۸۲	۴۵/۳۶
نهم	۶۲/۱۰	۱۶/۹۹	۳۸/۳۱	۵۹/۶۵
دهم	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شاخص S	-	۰/۴۸۲	۰/۲۷۴	۰/۰۳۳

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود گزینه اول دارای بیشترین درجه تصاعد است و درحالی که گزینه سوم کمترین درجه تصاعد را دارد، همچنین به ترتیب گزینه دوم و گزینه چهارم از درجه تصاعد بعدی برخوردارند. برای ملاحظه اینکه در هر یک از گزینه‌ها بار مالیاتی به‌طور نسبی بیشتر بر دوش کدام طبقات است، محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی (نسبت مالیات به کل درآمد خانوار) مفید می‌باشد که جدول (۶) آن را نمایش می‌دهد.

جدول ۶- نرخهای مؤثر مالیاتی (خمس) در گزینه‌های مختلف

گزینه ۴	گزینه ۳	گزینه ۲	گزینه ۱	دهکها
۳/۱۸	۲/۱۶	۱/۰۸	۰	اول
۱/۹۳	۲	۱	۰	دوم
۱/۵۰	۱/۹۳	۰/۹۷	۰	سوم
۱/۳۴	۱/۸۹	۰/۹۴	۰	چهارم
۱/۰۶	۱/۸۵۲	۰/۹۳	۰	پنجم
۱/۲۲	۱/۸۴۹	۰/۹۲۵	۰	ششم
۱/۴۳	۱/۹۵	۱/۱۹	۰/۴۳	هفتم
۱/۷۱	۲/۰۷	۱/۴۹	۰/۹۲	هشتم
۳/۰۸	۲/۱۶	۱/۸۹	۱/۶۲	نهم
	۳/۳۸	۳/۳۸	۴/۵۶	دهم
۱/۷۶	۲	۱/۳۸	۱/۷۵	متوسط

جدول فوق نشان می‌دهد که در گزینه اول، شش گروه درآمدی اول از پرداخت خمس معاف می‌باشند و مقدار خمس بیشتر بر دوش پر درآمدترین خانوارها می‌باشد و شکل تصاعد مالیات دارای الگوی تصاعدی می‌باشد؛ اما در گزینه‌های دیگر دارای الگوی U می‌باشد که تا گروه ششم به صورت نزولی، ولی از گروه هفتم به بعد به صورت تصاعدی می‌باشد.

به هر صورت جدول (۵) نشان می‌دهد که در هر چهار گزینه خمس آثار توزیعی مثبت بر توزیع مجدد درآمد دارد و برای مقایسه آن با مالیات بر درآمد شاخص S تحت دو گزینه اول و سوم به عنوان حداکثر و حداقل تصاعد برای مالیات بر درآمد اندازه‌گیری می‌شود (جدول ۷) و وضعیت نرخهای مؤثر نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۷- شاخص S و بار مالیاتی برای گزینه‌های مختلف (مالیات بر درآمد)

دهکها	درصد تراکمی درآمد	درصد تراکمی کل بار مالیاتی		نرخ موثر مالیاتی	
		گزینه اول	گزینه سوم	گزینه اول	گزینه سوم
اول	۱/۸۳	۰	۱/۶۳	۰	۴/۰۲
دوم	۵/۳۷	۰/۳۰	۴/۸۶	۰/۳۸	۴/۱۱
سوم	۱۰/۰۸	۱/۰۶	۹/۳۸	۰/۷۲	۴/۳۲
چهارم	۱۵/۷۶	۲/۵۷	۱۵/۳۲	۱/۱۹	۴/۷۱
پنجم	۲۲/۳۰	۴/۴۸	۲۱/۹۷	۱/۳۲	۴/۵۸
ششم	۲۹/۶۶	۷/۱۷	۲۹/۷۶	۱/۶۵	۴/۷۷
هفتم	۳۸/۱۳	۱۱/۱۲	۳۸/۷۸	۲/۱۰	۴/۸۰
هشتم	۴۸/۳۷	۱۶/۹۰	۴۹/۷۱	۲/۵۴	۴/۸۱
نهم	۶۲/۱۰	۲۷/۵۵	۶۴/۱۴	۳/۴۹	۴/۷۳
دهم	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۸/۶۱	۴/۲۶
متوسط	-	-	-	۲/۲۰	۴/۵۱
شاخص S	-	۰/۳۹۵۴	-۰/۰۱۲۸۷	-	-

جدول فوق نشان می‌دهد که گزینه اول اثر توزیعی مثبت بر توزیع مجدد دارد اما گزینه سوم در مجموع یک مالیات تنازلی است و اثر منفی بر توزیع مجدد دارد. الگوی تصاعد در گزینه اول به صورت تصاعدی می‌باشد ولی در گزینه سوم به صورت U معکوس می‌باشد که حداکثر نرخ در طبقه هشتم می‌باشد و نشان می‌دهد که از طبقات میانی به طبقات پایین و بالا توزیع مجدد درآمد صورت پذیرفته است.

۴-۳- مقایسه و تحلیل اثرات توزیع

مقایسه اثرات توزیعی خمس و مالیات بر درآمد با استفاده از جداول قبلی و

نمودار بعدی، این نتیجه را می‌دهد که در گزینه اول و سوم شاخص S برای خمس بیش از شاخص S برای مالیات بر درآمد می‌باشد. همچنین می‌توان نشان داد که در دو گزینه دیگر نیز وضعیت مشابه وجود دارد. جدول (۸) میزان تفاوت اثر توزیعی در طرح جایگزین را ارائه می‌دهد.

جدول ۸- مقایسه آثار توزیعی در طرح جایگزین

گزینه‌ها	شاخص S (خمس) (۱)	شاخص S مالیات (۲)	تفاوت دو شاخص (۱)-(۲)
اول	۰/۴۸۲	۰/۳۹۵	۰/۰۸۷
سوم	۰/۰۳۳	-۰/۰۱۳	۰/۰۴۶

چنانچه جدول فوق نشان می‌دهد طرح جایگزین، موجب بهبود توزیع مجدد درآمد در جامعه می‌گردد.

مقایسه وضعیت طبقات درآمدی را در دو نظام مالیاتی می‌توان با بررسی نرخهای موثر مالیاتی (بار مالیاتی) انجام داد. در هر دو گزینه چنان که جداول (۶) و (۷) نشان می‌دهند بار مالیاتی را که خانوارها در نظام مالیاتی فعلی تحمل می‌کنند، در تمامی دهکها بیشتر از باری است که در نظام مالیاتی خمس بر آنها تحمیل می‌شود. بویژه در گزینه اول، طبقات درآمدی بالا در نظام مالیاتی فعلی بار سنگین تری را نسبت به طرح خمس بر دوش می‌کشند. از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که بر اثر جایگزینی خمس به جای مالیات بر درآمد نه تنها در مجموع، وضعیت توزیع درآمد بهبود می‌یابد (نمودار (۱) نیز بهبود توزیع درآمد را با مقایسه وضعیت توزیع درآمد قبل و بعد از خمس و مالیات نشان می‌دهد) بلکه وضعیت تمامی خانوارها نیز از جهت تحمل بار مالیاتی بهتر می‌شود و این دقیقاً در راستای اهداف عدالتخواهی اسلام می‌باشد بویژه اینکه در جامعه‌ای که تعهدات شرعی زیاد باشد پرداخت مالیات به عنوان وظیفه شرعی تلقی شود و بازار آنها دارای ویژگیهای

بازار اسلامی باشد، به گونه‌ای که تعاون به جای رقابت ناسالم و سودجویی‌های غیرعادلانه بر آن حاکم باشد در این صورت انتقال مالیاتی به مصرف‌کنندگان کمتر خواهد بود و در نتیجه تحمل مالیاتی نظیر الگوی اول بوده و بار مالیاتی بر دوش افرادی که از طبقات پایین هستند صفر خواهد شد و بدین وسیله الگوی نامناسب بار مالیاتی که ناشی از انتقال مالیات و توزیع اولیه درآمد و مصرف می‌باشد اصلاح می‌گردد.^۱

البته ملاحظات زیر در رابطه با نتایج فوق قابل ذکر است:

اولین مسئله این است که محاسبات فوق براساس بدهی خمس هر خانوار می‌باشد در حالی که در مالیات بر درآمد مقادیر واقعی آنها در نظر گرفته شده است. این مسئله خود موجب می‌شود که اصولاً توزیع بار مالیاتی و محاسبه نرخ موثر مالیاتی در دو فضای برآورد و واقعی صورت گیرد که شاید مقایسه اثر توزیعی خمس و مالیات بر درآمد و در نتیجه تحلیل اثر جایگزینی را با مشکل مواجه سازد. با وجود این می‌توان ادعا کرد که با توجه به ویژگیهای خمس (پشتوانه اعتقادی، کاهش بار مالیاتی، کاهش نرخهای تصاعدی و...) و با استعانت از تجربیات اصلاحات جهانی چنین نتیجه‌ای دور از انتظار نخواهد بود.^۲ زیرا اصولاً ما معتقدیم که بالا بودن بار مالیاتی برای خانوارها و عدم رعایت قدرت پرداخت آنها در نظام مالیاتی، موجب فرار و اجتناب مالیاتی می‌شود در حالی که لحاظ معافیت هزینه زندگی خانوار برای تمام مؤدیان و پایین بودن نرخ در خمس، فرار مالیاتی بسیار کاهش می‌یابد. جدول (۹) با مقایسه نرخهای مؤثر برآوردی و واقعی در گزینه (۱) در بین مالیاتهای مختلف حکایتگر فرار و اجتناب مالیاتی در مالیاتها می‌باشد، هر چند معافیتها و امتیازات مالیاتی را نیز در این مقایسه نباید از نظر دور داشت.

۱- البته تا رسیدن به شرایط فوق‌الذکر دولت اسلامی می‌تواند با سیاستهای مناسب در جهت تصحیح الگوی بار مالیاتی اقدام نماید.
 ۲- ر.ک: گیلک حکیم آبادی (۱۳۷۹)، فصل سوم.

جدول ۹- نرخهای مؤثر مالیاتی (برآوردی و واقعی)

دهکها	حقوق و دستمزد (۱)		مشاغل (۲)		شرکتهای خصوصی (۳)		کل مالیات بر درآمد فردی (۱)+(۲)
	برآوردی	واقعی	برآوردی	واقعی	برآوردی	واقعی	
اول	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دوم	۰/۸۵	۰/۳۸	۰	۰	۰	۰	۰/۳۸
سوم	۱/۶۳	۰/۷۲	۰	۰	۰	۰	۰/۷۲
چهارم	۲/۶۸	۱/۱۹	۰	۰	۰	۰	۱/۱۹۳
پنجم	۲/۵۴	۱/۱۳	۰/۴۱	۰/۶۵	۰/۱۲	۰/۱۲	۱/۱۹۵
ششم	۲/۹۸	۱/۳۳	۰/۶۹	۰/۱۱	۰/۲۱	۰/۲۱	۱/۴۴
هفتم	۳/۲۶	۱/۴۵	۱/۴۰	۰/۲۲	۰/۴۳	۰/۴۳	۱/۶۷
هشتم	۳/۴۸	۱/۵۵	۲/۱۵	۰/۳۴	۰/۶۵	۰/۶۵	۱/۸۹
نهم	۳/۵۸	۱/۵۹	۴/۱۱	۰/۶۵	۱/۲۵	۱/۲۵	۲/۲۴
دهم	۳/۶۵	۱/۶۲	۱۵/۱۲	۲/۴۰	۴/۵۹	۴/۵۹	۴/۰۲
متوسط	۲/۴۶	۱/۰۹۷	۲/۳۹	۰/۳۸	۰/۷۲	۰/۷۲	۱/۴۸

همان طور که ملاحظه می‌گردد متوسط نرخ مؤثر برآوردی مالیات بر حقوق و دستمزد بیش از دو برابر مقدار واقعی آن و در مالیات مشاغل مقدار برآوردی نرخ مؤثر حدود شش برابر مقدار واقعی می‌باشد و در مورد مالیات بر درآمد فردی (مالیات حقوق و دستمزد به علاوه مالیات مشاغل) نرخ مؤثر بیش از سه برابر می‌باشد. این خود نشانه حجم اجتناب و فرار مالیاتی زیاد می‌باشد.

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا خالی از فایده نیست اینکه ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر چه خمس موجب بهبود توزیع درآمد می‌باشد ولیکن ممکن است از طرف دیگر موجب عدم کارایی شده و در اقتصاد موجب اختلالاتی گردد. در جواب به این سؤال می‌توان این گونه اظهار کرد که اولاً با توجه به اینکه قانون خمس با تمامی درآمدها و مشاغل و کسبها به صورت یکسان و با نرخ یکسانی

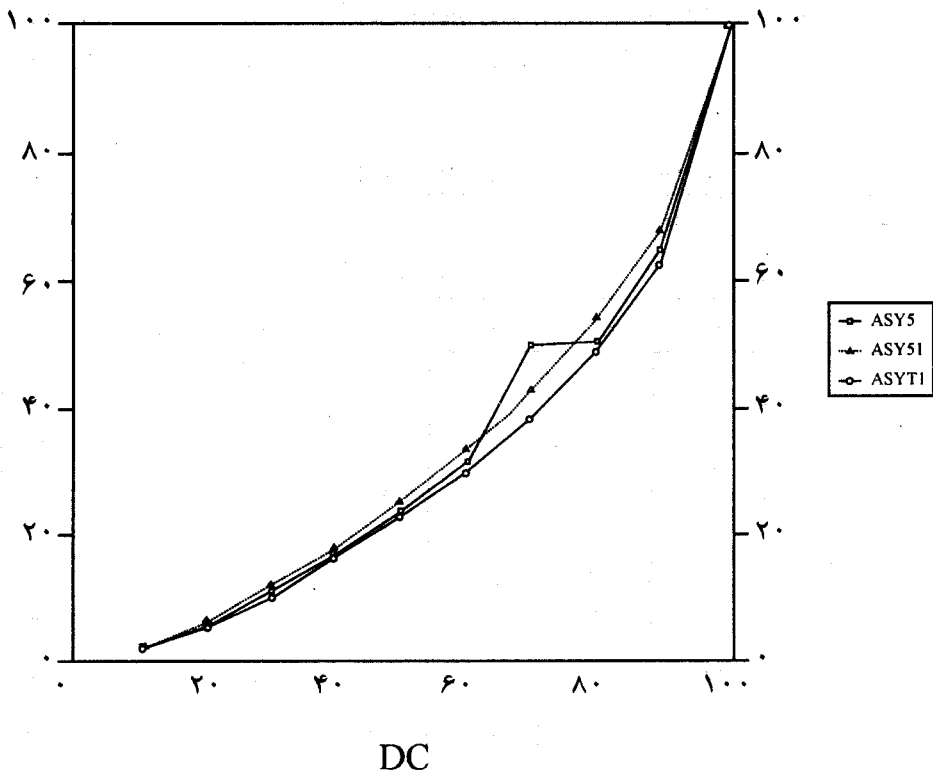
برخورد می‌کند در تخصیص منابع ایجاد مشکل نمی‌کند و از طرفی به واسطه پایین بودن نرخ مؤثر آن و حتی بالا نبودن نرخ نهایی در آن (۲۰ درصد) بار اضافی نیز ایجاد نمی‌کند. البته همان‌طور که قبلاً ذکر شد در تصمیم‌گیری بین مصرف و پس انداز و کار و فراغت اختلال ایجاد می‌نماید که به نظر می‌رسد به خاطر محدود بودن دایره مصرف در قشرهای پردرآمد (مصرف بیش از متعارف) و همچنین به خاطر ویژگیهای فوق‌الذکر، این عدم کارایی بسیار زیاد نباشد. جدول (۱۰) نرخهای نهایی را در مالیاتهای مختلف و خمس نشان می‌دهد.

جدول ۱۰- نرخ نهایی در مالیاتهای مختلف (گزینه ۱)

دهکها	حقوق و دستمزد بخش خصوصی		حقوق و دستمزد بخش عمومی		مشاغل		خمس
	برآوردی	واقعی	برآوردی	واقعی	برآوردی	واقعی	
اول	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دوم	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۰	۰	۰
سوم	۱۸	۱۲	۱۲	۱۲	۰	۰	۰
چهارم	۱۸	۱۲	۱۸	۱۲	۰	۰	۰
پنجم	۱۸	۱۲	۱۸	۱۲	۱۲	۱۲	۰
ششم	۱۸	۱۲	۱۸	۱۲	۱۲	۱۲	۰
هفتم	۲۵	۱۸	۱۸	۱۲	۱۲	۱۲	۲۰
هشتم	۲۵	۱۸	۱۸	۱۲	۱۲	۱۲	۲۰
نهم	۲۵	۱۸	۳۵	۱۲	۱۲	۱۲	۲۰
دهم	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۲۰

جدول فوق که با توجه به برآورد بدهی مالیاتی و مالیات پرداختی (واقعی) توسط خانوارها محاسبه شده است، نشان می‌دهد که در نظام تصاعدی سعی شده است که مؤدیان با ترفندهای مختلف خود را به سمت بالای جدول بکشانند تا با نرخ

نهایی کمتری مواجه باشند. طبیعی است که چنین انگیزه‌ای از این بعد در مالیاتهای یکنواخت و در طرح جایگزین وجود ندارد؛ بنابراین در مجموع می‌توان اظهار نظر کرد که با توجه به ویژگیهای طرح جایگزین، زیان کارایی در خمس نایستی چندان زیاد باشد، هر چند برای اظهار نظر دقیق بایستی مسئله مورد تحقیق جداگانه‌ای قرار گیرد.



نمودار ۱- مقایسه وضعیت توزیع درآمد قبل و بعد از وضع خمس و مالیات (گزینه اول)

ASY5: درصد تراکمی درآمد قبل از مالیات و خمس

ASY51: درصد تراکمی درآمد بعد از خمس

ASYT: درصد تراکمی درآمد بعد از مالیات

DC: درصد تراکمی جمعیت (دهکها)

نتیجه‌گیری

در این مقاله ویژگیهای مهم خمس به عنوان عمده‌ترین مالیات بر درآمد در اسلام ترسیم گردید و نشان داده شد که خمس، علی‌رغم دارا بودن نرخ یکنواخت به واسطه معافیت مخارج زندگی خانوار، مالیات تصاعدی با نرخ تصاعد ملایم می‌باشد. برای برآورد آثار توزیعی خمس از روش رایج تحلیل اصابت مالیاتی با چهار فرض انتقال، متناسب با ویژگیهای خمس و شرایط اقتصادی کشور استفاده شد، در این رابطه به دلیل فقدان اطلاعات مناسب درباره درآمد خانوارها از توزیع پارتو بهره گرفته شد. بدهی خمس هر خانوار در هر دهک در هر چهار گزینه و بدهی مالیات بر درآمد در دو گزینه برآورد گردید. شاخص سویتس به عنوان شاخص اندازه‌گیری تصاعد نشان می‌دهد که اثر توزیعی خمس نسبت به مالیاتهای متناظر بیشتر می‌باشد، یعنی در صورت اصلاح نظام مالیاتی کشور با جایگزینی خمس به جای مالیات بر درآمد، اثر توزیعی نظام مالیاتی بهبود خواهد یافت. همچنین روشن شد که اولاً بار مالیاتی برای خانوارهای پایین (در فرض عدم انتقال مالیاتی) صفر می‌باشد که در جهت هدف عدالت اجتماعی در نظام اقتصادی اسلامی می‌باشد، و دیگر اینکه بار مالیاتی در خانوارها با درآمد بالاتر نیز در نظام مالیاتی خمس نسبت به نظام مالیاتی مرسوم در ایران کمتر می‌باشد. برآورد نرخهای نهایی برای خمس و مالیاتها نشان داد که درآمدهای بالا در خمس مشمول نرخ مالیاتی پایینتر می‌باشند و در نتیجه همسو با تجارب اصلاحات مالیاتی، دارای اختلال زایی کمتر خواهند بود.

به‌طور کلی نظام خمس با کمترین اختلال در کارایی اقتصادی، موجب تقویت عدالت عمودی خواهد شد. البته اجرای نظام خمس بدون در نظر گرفتن بستر مناسب آن، نتایج را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

منابع

قرآن کریم

- ۱- ابو نوری، اسماعیل (۱۳۷۶). "اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۵۱.
- ۲- _____ (۱۳۷۱). "معرفی یک الگوی جدید توزیع درآمد"، برنامه و توسعه. شماره اول و دوم.
- ۳- پروین، سهیلا (۱۳۷۲). *زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران*. رساله‌ی دکتری. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۴- الحر العاملی، الشیخ محمد بن الحسن (۱۳۹۱ ق). *وسائل الشیعة ج ۶*. الطبعة الرابعة، دار احیاء التراث العربی. بیروت.
- ۵- الحسینی القزوینی، عباس (۱۳۷۲ ش). *زبدة المقال فی خمس الرسول و الآل (تقریرات بحث آیه... بروجردی)*. مکتب الاعلام الاسلامی. قم.
- ۶- حمزه‌پور، محمد حسین (۱۳۷۳). *بررسی مالیات بر شرکتها در ایران براساس الگوی مالیاتهای اسلامی*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.
- ۷- الخمینی، الامام روح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*. ج ۲ مطبعة الاداب. نجف.
- ۸- _____ (۱۴۱۰ ق)، *کتاب البیع*. ج ۲. الطبعة الرابعة. مؤسسة اسماعیلیان. قم.
- ۹- الخوئی، السيد ابوالقاسم (۱۳۶۴). *مستند العروة الوثقی*. العلمیه. قم.
- ۱۰- سبحانی، حسن (۱۳۷۳). *نظام اقتصادی اسلام*. سازمان تبلیغات اسلامی. تهران.
- ۱۱- الصدر، محمد باقر (۱۴۱۷ ق). *اقتصادنا*. الطبعة الاولى. مکتب الاعلام الاسلامی. خراسان. ایران.
- ۱۲- الطباطبائی الحکیم، السيد محسن (۱۳۹۰ ق). *مستمک العروة الوثقی*. ج ۹. الطبعة الثالثة. منشورات مکتبة آیه... المرعشی. قم. ایران.
- ۱۳- الطباطبائی الیزدی. السيد محمد کاظم (۱۳۶۳ ش). *العروة الوثقی (مع تعلیقات مراجع الشیعة)*. الطبعة الثالثة. المکتبة العلمیة الاسلامیة. قم.

- ۱۴- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۷۹). امکان جایگزینی مالیات بر درآمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای اقتصاد کلان. رساله دکتری. دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۱۵- _____ . درسهایی از روند اصلاحات مالیاتی در جهان (بوئزه در کشورهای در حال توسعه). منتشر نشده.
- ۱۶- معاونت امور اقتصادی (۱۳۷۶). گردآوری و تنظیم آمارهای اقتصادی (۷۴-۱۳۳۸). وزارت امور اقتصادی و دارایی. تهران.
- ۱۷- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷). حسابهای ملی ایران (۷۵-۱۳۷۰). مرکز آمار ایران.
- ۱۸- المنتظری، حسین علی (بی تا). کتاب الخمس. انتشارات اسلامی. قم.
- ۱۹- المیلانی، السید هادی (۱۳۵۸). کتاب الخمس. بی جا. مشهد.
- ۲۰- النجفی، محمد حسن (۱۹۸۲م). جواهر الکلام. ج ۱۶. الطبعة السابعة. دار احیاء التراث العربی. بیروت. لبنان.

- 21- Atkinson Anthony B. & Joseph E. Stiglitz (1987). **Lecture on Public Economics**, Mc Graw- Hill.
- 22- Blomquist, N.S. (1981) " A Comparison of Annual and Lifetime Income: Sweden and Around 1970", **Review of Income and Wealth**, Vol. 27, PP. 273-84.
- 23- Davies and et al. (1984). "Some Calculations of lifetime Tax Incidence", **The American Economic Review**, Vol. 74, No. 4, PP. 633-49.
- 24- Kakwani (1976). "Measurement of Tax Progressivity: An International Comparison", **Economic Journal**, pp. 71-80.
- 25- _____ (1980). **Income Inequality and poverty**, oxford university press.
- 26- Krellove Russell (1995b). "Concepts of Tax Incidence" in Shome(ed) **Tax policy Handbook**, IMF. 35-39.
- 27- _____ (1995a), "General Equilibrium Incidence of taxes"

- in Shome(ed) **Tax policy Handbook**, 39-46.
- 28- Malik M.H. and Najam-us- saqb, (1985)," Who Bears the Burden of Federal Taxes in Pakistan", **The Pakistan Development Review**, Vol. 24, No. 3,4. PP. 797-507.
- 29- Mehran Farhad, (1975), **Taxes and Income Distribution of Tax Burdens in Iran**, ILO, Working Paper, WEP. 2.33, WP/33.
- 30- Miezowski, Peter, (1969)."Tax Incidence Theory: The Effects of Taxes on the Distribution of Income", **Journal of Economics Litature**, 7, PP. 1103-1124.
- 31- Musgrave R. A. and P.B. Musgrave (1980). **Public Finance in Theory and Practice**, Third edition, New York, McGraw Hill.
- 32- Pechmah, Josepn A. and Benjamin A. Okner, (1974). **Who Bears the tax Burden**, The Brookings Institution.
- 33- Shah Anwar and John whalley (1991). **Tax Incidence Analysis of Developing Countries: An Alternative view**, The world Bank Economic Review, Vol. 5, No. 5. pp. 535-555.
- 34- Suits, Daniel B. (1977). **Measurement of Tax Progressivity**, The American Economic Review, Vol. 67, No. 4. PP. 747-752.
- 35- Thirsk, Wayne. (1991). "Lessons from Tax Reform: An Overview", in Javad, Khalilzadeh, Shirazy, and Anwar Shah, eds, **Tax Policy in Developing Countries, A World Bank Symposium**, W.B,
- 36- Whalley John, (1984). "Regression or Progression: The Taxing Question of Incidence Analysis", **Canadian Journal of Economics**, 27, No. 4, PP. 657-682.